



Comparative Analysis of the Visual Structure of Illustrations on the Covers of Children's Books Published by the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults and Children's Artworks in the 2000s and 2010s

Samaneh Sayahi Zadehfard*

MSc. in Visual Communication, Department of
Art, Medarang Institute of Visual Arts, Jam, Iran

Abstract

Illustration and book cover design are among the significant elements of visual communication in children's and young adults' books, playing an important role in attracting the audience's attention, conveying concepts, and shaping their initial perception of the content. As one of Iran's most important cultural and artistic institutions, the Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults (IIDCYA) has produced and published valuable works in the field of children's literature and illustration across different decades. The present study examines and compares the visual structure of children's book covers and illustrative works published by the Institute during the 2000s and 2010s, with the aim of identifying their similarities and differences. The main objective is to comparatively analyse the visual characteristics of these works and investigate the formation and development of their visual language across the two decades under study. The primary research question concerns the characteristics of the visual structure of children's book covers and illustrative works produced by the Institute during these decades, as well as the similarities and differences between them. In terms of purpose, this research is fundamental, while methodologically it adopts a qualitative, descriptive-analytical, and comparative approach. Data were collected through library and documentary research, drawing on written sources and selected visual samples. The works were analysed according to criteria including the visual characteristics of character creation, line, composition and form, colour, and their relationship to the historical and cultural context of each period. The findings indicate that, despite shared characteristics in the use of visual language, the works differ in the organisation of visual elements, modes of visual narration, and approaches to execution. Furthermore, a comparison of the two decades reveals significant developments and increasing diversity in the visual expression and cover design of the Institute's publications.

Keywords: visual structure, book cover, children's illustration, institute for the intellectual development of children and young adults

Received: 06/July/2026

Accepted: 24/August/2026

eISSN: 3116-1626

ISSN: 3116-1618



تحلیل تطبیقی ساختار بصری تصویرسازی روی جلد کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با آثار کودکان در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰

کارشناسی ارشد، ارتباط تصویری، گروه هنر، آموزشگاه هنرهای تجسمی
مدادرنگ، جم، ایران

سمانه سیاحی‌زاده فرد *

چکیده

تصویرسازی و طراحی روی جلد کتاب از عناصر مهم ارتباط بصری در کتاب‌های کودک و نوجوان به شمار می‌روند و نقش مؤثری در جلب توجه مخاطب، انتقال مفاهیم و شکل‌دهی به دریافت اولیه از محتوای اثر دارند. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی و هنری ایران، طی دهه‌های مختلف آثار ارزشمندی در زمینه کتاب کودک و تصویرسازی تولید و منتشر کرده است. مسئله پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه ساختار بصری روی جلد کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و آثار تصویرسازی کودکان در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ و شناسایی وجوه اشتراک و افتراق آن‌هاست. هدف پژوهش، تحلیل تطبیقی ویژگی‌های ساختار بصری این آثار و بررسی چگونگی شکل‌گیری زبان تصویری آن‌ها در دو دهه مورد مطالعه است. پرسش اصلی پژوهش این است که ساختار بصری روی جلد کتاب‌های کودک و آثار تصویرسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه‌های مورد نظر چه ویژگی‌هایی دارد و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان آن‌ها قابل شناسایی است؟ پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش، کیفی و توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی و با بررسی منابع مکتوب و نمونه‌های تصویری منتخب گردآوری و براساس شاخص‌هایی همچون ویژگی‌های بصری خلق شخصیت، خطوط، ترکیب‌بندی و فرم در تصویر، رنگ و قرارگیری در دوره‌های مختلف تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد که آثار مورد مطالعه، ضمن برخورداری از ویژگی‌های مشترک در بهره‌گیری از زبان تصویری، در نحوه سازمان‌دهی عناصر بصری، شیوه روایت تصویری و رویکردهای اجرایی تفاوت‌هایی دارند. همچنین، مقایسه دو دهه بیانگر تحول و تنوع در شیوه‌های بیان تصویری و طراحی روی جلد آثار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است.

کلیدواژه‌ها: ساختار بصری، جلد کتاب، تصویرسازی کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

مقدمه

«تصویر»^۱ و «تصویرسازی»^۲ از مهم‌ترین عناصر ارتباطی در ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌روند و در شکل‌گیری تجربه دیداری، تقویت تخیل و درک مفاهیم در مخاطب کودک، نقش مؤثری دارند. کودک در مواجهه با کتاب، علاوه بر واژه‌ها، از طریق تصاویر با جهان داستان ارتباط برقرار می‌کند و با پیوند دادن متن و تصویر، روایت را در ذهن خود بازسازی می‌کند. از این منظر، تصویرسازی را می‌توان ابزاری به‌منظور انتقال مفاهیم دانست که با بهره‌گیری از عناصری همچون رنگ، فرم، خط و ترکیب‌بندی، میان اثر و مخاطب ارتباط برقرار می‌کند.

در کنار تصویرسازی، «طراحی روی جلد»^۳ نیز به‌عنوان نخستین سطح مواجهه مخاطب با کتاب، نقشی مهم در شکل‌گیری دریافت اولیه او از اثر دارد. روی جلد با استفاده از عناصر نوشتاری و تصویری، ضمن معرفی کتاب، می‌تواند فضای کلی و محتوای آن را به‌صورت غیرمستقیم به مخاطب منتقل کرده و زمینه ارتباط اولیه او با اثر را فراهم سازد. بنابراین، ساختار بصری روی جلد را نمی‌توان صرفاً عنصری تزئینی دانست، بلکه این ساختار در تعامل میان متن، تصویر و محتوا شکل می‌گیرد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فرهنگی و هنری ایران در حوزه کودک و نوجوان، طی دهه‌های مختلف نقش مؤثری در تولید و انتشار کتاب و توسعه تصویرسازی کودک داشته است. آثار منتشر شده توسط این نهاد، به‌دلیل برخورداری از کیفیت ادبی و هنری، بخشی مهم از جریان تصویرسازی و فرهنگ دیداری کودک و نوجوان در ایران را شکل داده‌اند. دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ نیز با توجه به تحولات فرهنگی، هنری و گسترش فناوری‌های نوین، شاهد تغییر و تنوع در شیوه‌های تصویرسازی و طراحی روی جلد بوده‌اند. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی نمونه‌های منتخب، ویژگی‌های ساختار بصری این آثار را شناسایی و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را از منظر ویژگی‌های بصری خلق شخصیت، خطوط، ترکیب‌بندی و فرم در تصویر، رنگ و قرارگیری در دوره‌های مختلف تحلیل و مقایسه کند.

پیشینه پژوهش

در زمینه نقاشی و تصویرسازی کودک، پژوهش‌های متعددی از منظر هنری، آموزشی و روان‌شناختی انجام شده است؛ با این حال، بررسی تطبیقی ساختار بصری روی جلد کتاب‌های کودک و آثار تصویرسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره‌های زمانی مشخص، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

الیوریو فراری^۴ (۱۳۹۸) در کتاب «نقاشی کودکان و مفاهیم آن»، نقاشی کودک را ابزاری برای بیان احساسات، شخصیت و جهان ذهنی او دانسته و بر اهمیت شناخت زبان تصویری کودک تأکید دارد. دادستان (۱۳۹۹) نیز در «ارزشیابی شخصیت کودکان براساس آزمون‌های ترسیم»، نقاشی را نوعی زبان ارتباطی و بازتابی از جهان عاطفی و ذهنی کودک معرفی می‌کند. این دو اثر، اگرچه مستقیماً به تصویرسازی کتاب نمی‌پردازند، زمینه مناسبی برای شناخت ویژگی‌های بیان تصویری کودک فراهم می‌کنند.

اسدی و اقبالی (۱۳۸۹) در پژوهش «بررسی و مقایسه چگونگی انتخاب زاویه دید در نقاشی کودکان و آثار تصویرگران کتاب کودک در ایران»، بر تأثیرپذیری تصویرگران از شیوه ادراک و نگاه کودک تأکید کرده‌اند. همچنین، طالع و علی‌محمدی اردکانی (۱۳۹۶) در پژوهشی درباره «تأثیر روان‌شناسی بر تصویرسازی کتاب‌های آموزشی کودکان»، اهمیت توجه به ویژگی‌های مخاطب کودک در فرایند تصویرسازی را بررسی کرده‌اند. مرتضوی

1. image

2. illustration

3. book cover design

4. Anna OliverioFerrari

و قاضی‌زاده (۱۳۸۹) نیز در مطالعه «شفاف‌بینی در تصویرسازی معاصر ایران و جهان»، تأثیر هنر کودک و پیشینه تصویرگری ایران را بر تصویرسازی معاصر مورد توجه قرار داده‌اند. اما مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های موجود بیشتر بر نقاشی کودک، ویژگی‌های ادراکی و روان‌شناختی مخاطب و شیوه‌های تصویرسازی متمرکز بوده‌اند و بررسی هم‌زمان و تطبیقی ساختار بصری روی جلد کتاب‌های کودک و آثار تصویرسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی، به بررسی و مقایسه ویژگی‌های ساختار بصری این دو حوزه و شناسایی وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در دو دهه مورد مطالعه می‌پردازد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، کیفی و توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. هدف از این پژوهش، تحلیل و مقایسه ساختار بصری روی جلد کتاب‌های کودک و آثار تصویرسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ و شناسایی وجوه اشتراک و افتراق میان آن‌هاست. گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، منابع تخصصی مرتبط با تصویرسازی و طراحی گرافیک و همچنین بررسی نمونه‌های تصویری منتخب گردآوری شده است. در فرایند پژوهش، ابتدا منابع مرتبط با موضوع شناسایی و مطالعه شده و اطلاعات مورد نیاز از میان آن‌ها استخراج و دسته‌بندی گردیده است. سپس نمونه‌های منتخب از روی جلد کتاب‌های کودک و آثار تصویرسازی کانون در دو دهه مورد مطالعه، به صورت هدفمند انتخاب و براساس شاخص‌های بصری خلق شخصیت، خطوط، ترکیب‌بندی و فرم در تصویر، رنگ و قرارگیری در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، داده‌های به دست آمده با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی سازمان‌دهی و تحلیل شده و وجوه اشتراک و تفاوت آثار مورد مقایسه قرار گرفته است. در نهایت، براساس یافته‌های حاصل از تحلیل و مقایسه نمونه‌ها، نتایج پژوهش ارائه شده و روند تغییرات و تداوم ویژگی‌های ساختار بصری در آثار مورد مطالعه و در قالب جداول تبیین شده است.

۱- نسبت میان نقاشی و تصویرسازی

هدف از مصورسازی، نمایش معانی و کیفیت‌های باطنی متن است که دو گرایش تخیلی و غیرتخیلی دارد: گرایش اول نگاه به متن و تصویر، درونی و خیالی، معنوی و فراواقعیت است. گرایش دوم، در کل نگاهی مادی و رئالیستی داشته و نمایش واقعیت عین طبیعت است. تصویرگری، نقاشی به صورت روایی است یا به بیانی ساده راوی مجسم متن است. یک راوی بدون متن که قادر است بدون هیچ نوشتاری پیام را انتقال دهد و مفهوم را به بیننده القاء کند که می‌تواند دنباله‌دار، یا تک فریم باشد، اما همراه یا بدون متن کاربرد خود را دارد (حسن‌پور، ۱۳۸۸).

با توجه به مباحث مطرح شده، یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های میان نقاشی و تصویرسازی را می‌توان در هدفمندی تصویرسازی، کاربرد مشخص آن و توجه هم‌زمان به مخاطب و سفارش‌دهنده دانست. از این منظر، تصویرسازی در برخی جنبه‌ها با طراحی گرافیک قرابت دارد. وجه سفارشی بودن در هنر تصویرسازی نیز سابقه‌ای دیرینه دارد و بسیاری از آثار تصویری در طول تاریخ با هدفی مشخص و به سفارش افراد یا نهادهای خاص خلق شده‌اند. برای نمونه، قیصرها و سزارها برای ثبت پیروزی‌ها و نمایش قدرت و اقتدار خود، ساخت آثار یادمانی و نقش‌برجسته‌هایی را سفارش می‌دادند تا جایگاه و حاکمیت آنان از طریق تصویر به نمایش گذاشته شود (داروئی، ۱۳۹۰).

در مقابل، نقاشی غالباً برآمده از تجربه، احساس و نگرش شخصی هنرمند است و می‌تواند بدون وجود سفارش‌دهنده و با انگیزه‌ای درونی شکل گیرد. نقاش در فرایند خلق اثر، آزادی بیشتری در انتخاب موضوع، شیوه بیان و مسیر اجرایی دارد؛ درحالی‌که تصویرگر معمولاً در چارچوب موضوع، سفارش، متن و نیازهای مخاطب فعالیت می‌کند. ازاین‌رو، تصویرگر باید علاوه بر توانایی‌های هنری و فنی، از دانش و اطلاعات گسترده‌ای در زمینه‌هایی همچون تعلیم و تربیت، روان‌شناسی، معماری، فرهنگ و آداب و رسوم اقوام، آیین‌ها، پوشاک، طبیعت و طراحی موجودات برخوردار باشد. همچنین، او باید بتواند میان خواسته‌های سفارش‌دهنده، نیازهای مخاطب، محتوای اثر و نگرش شخصی خود تعادل برقرار کند. از این منظر، تصویرگر در برابر مخاطب، ناشر، نویسنده و همچنین استقلال و نگرش فردی خود مسئولیت دارد (حسن‌پور، ۱۳۸۸).

به‌طور کلی، نقاشی را می‌توان نوعی بیان دیداری و هنری دانست که از طریق عناصر بصری و ابزارهایی مانند مداد، زغال، مرکب، پاستل و رنگ، بر سطوح مختلفی همچون کاغذ، مقوا و بوم شکل می‌گیرد. نقاشی معمولاً با هدف بیان تجربه، احساس، اندیشه و جهان ذهنی هنرمند خلق می‌شود و می‌تواند به‌عنوان اثری مستقل واجد ارزش هنری باشد. در مقابل، تصویرسازی نوعی بیان تصویری هدفمند است که معمولاً برای توضیح، تکمیل، تفسیر یا تقویت یک متن، مفهوم یا پیام مشخص به کار می‌رود. ازاین‌رو، تصویرسازی می‌تواند در قالب‌های گوناگونی همچون تصویرسازی کتاب کودک، داستان مصور، روی جلد کتاب، پوستر، تبلیغات، مجلات، روزنامه‌ها و تصویرسازی علمی نمود پیدا کند. با وجود این تفاوت‌ها، مرز میان نقاشی و تصویرسازی همواره کاملاً مشخص و قطعی نیست. تصویرسازی می‌تواند از تکنیک‌ها و شیوه‌های نقاشی بهره بگیرد و نقاشی نیز ممکن است واجد ویژگی‌های روایی و ارتباطی باشد. تفاوت اصلی این دو را باید بیشتر در هدف، کارکرد و نوع رابطه اثر با مخاطب جست‌وجو کرد. تصویرسازی عموماً برای برقراری ارتباط با مخاطب و انتقال پیامی مشخص شکل می‌گیرد؛ بنابراین، تصویرگر باید ویژگی‌های مخاطب و شرایط دریافت اثر را در فرایند خلق اثر مورد توجه قرار دهد. در مقابل، نقاشی بیشتر ماهیتی شخصی دارد و می‌تواند وسیله‌ای برای بیان احساسات، افکار و تجربه‌های فردی هنرمند باشد.

تفاوت دیگر به رابطه این دو حوزه با «رسانه»^۱ و تکثیر مربوط می‌شود. تصویرسازی در بسیاری از موارد برای انتشار و بازتولید در رسانه‌های چاپی یا دیجیتال تولید می‌شود و می‌تواند در خدمت اهداف فرهنگی، آموزشی، ارتباطی یا تجاری قرار گیرد. از این منظر، تصویرسازی در نقطه تلاقی هنر و رسانه قرار می‌گیرد. در مقابل، نقاشی غالباً به‌عنوان یک اثر هنری مستقل تولید می‌شود و ارزش آن بیش از هر چیز در ویژگی‌های هنری و بیانی آن نهفته است. به همین دلیل، تصویرساز معمولاً در تعامل با ناشر، نویسنده، کارفرما یا رسانه فعالیت می‌کند، درحالی‌که نقاش اغلب استقلال بیشتری در انتخاب موضوع و شیوه خلق اثر دارد (اسلام‌نژاد، ۱۳۸۶). بنابراین تصویرسازی، در ساده‌ترین تعریف، نمایش بصری یک مفهوم یا متن با هدف تسهیل، تکمیل یا تقویت انتقال پیام است. ازاین‌رو، ارتباط میان تصویر و محتوای مورد نظر در آن اهمیت بسیاری دارد. برای مثال، در تصویرسازی داستانی، طراحی شخصیت‌ها، فضاها و رویدادها به خواننده کمک می‌کند تا جهان داستان را بهتر درک و در ذهن خود بازسازی کند. باین‌حال، تصویرسازی صرفاً به بازنمایی اشیای واقعی محدود نیست و می‌تواند در قالب‌هایی همچون نمودار، جدول، چارت و دیگر اشکال ارتباط بصری نیز ظاهر شود. در این حوزه، آثار موفق معمولاً از دو کارکرد اصلی برخوردارند: کارکرد بیانی برای انتقال احساس و مفهوم و کارکرد مصداقی به‌منظور ارتباط مستقیم با موضوع و محتوای مورد نظر.

بدین ترتیب با وجود تفاوت‌های یادشده، در هنر معاصر مرز میان نقاشی، طراحی و تصویرسازی تا حد زیادی سیال شده است. امروزه برخی آثار تصویرسازی علاوه بر توجه به مخاطب و کارکرد ارتباطی، دارای لایه‌های مفهومی و

بیانی پیچیده‌ای هستند و از سوی دیگر، بسیاری از نقاشی‌ها نیز واجد روایت و ساختارهای ارتباطی‌اند. بنابراین، نمی‌توان این دو حوزه را کاملاً جدا از یکدیگر دانست. باین حال، آنچه همچنان می‌تواند وجه تمایز اصلی تصویرسازی و نقاشی تلقی شود، هدف و کارکرد اثر، میزان وابستگی آن به متن یا سفارش و نوع رابطه آن با مخاطب است. به‌طور کلی، هر دو حوزه از طریق زبان بصری در انتقال معنا و ایجاد ارتباط نقش دارند، اما تصویرسازی بیش از نقاشی بر ارتباط هدفمند و انتقال پیام مشخص استوار است (اکرمی، ۱۳۸۹).

۱-۱- نقاشی کودکان

نقاشی کودکان چیزی بی‌محتوا یا فاقد ارزش نیست؛ بلکه این گونه فعالیت‌ها دارای ارزش محتوایی بسیار بوده و از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. لذا به همه کودکان باید فرصت داد تا در مدت زمان کافی، با علاقه و تمایل شخصی و استفاده از وسایل و ابزار مناسب به نقاشی کردن بپردازند. نقاشی به‌گونه‌ای فطری و ذاتی در نهاد تمامی کودکان نهفته است و دوره‌ها و مراحل را به‌گونه‌ای یکسان از آغاز تا دوره نوجوانی طی می‌کند (فراری، ۱۳۷۳).

در مورد نقاشی کودکان باید به تأثیر و نقش «بداهه‌نگاری» به‌عنوان یکی از عوامل مهم رشد و پرورش کودک بیشتر توجه کرد. ویژگی‌های نقاشی کودکان نشان از آن دارد که، بداهه‌پردازی عنصر اصلی همه رفتار و اعمال کودکان به‌خصوص در کشیدن تصاویر و نقاشی است و دیگر ویژگی‌های این حوزه در راستا و در تعامل با این ویژگی هستند، زیرا کودک با جهان ارتباطی بی‌واسطه برقرار می‌کند و با توجه به تأثیرات محیط اطراف، احساسات درونی خود را آشکار سازد. همچنین یکی از راه‌های «پرورش خلاقیت» کودک و زبان‌گویای او، نقاشی است. زبانی که خواندن آن به سواد نیاز ندارد و سریع‌التأثیر نیز هست. حال آنکه فعالیت‌های هنری برای کودک ضمیمه نامحدودی را برای اکتشاف طبیعت انسان‌ها، رنگ‌ها، شکل‌ها و هر لحظه تجربه‌ای تازه را فراهم می‌کند.

دنیای ناشناخته و جالب کودک، وسیله‌ای است برای ابراز حالات، افکار، آرزوهای او، برای ایجاد خلاقیت و بستری است. بنابراین از زمانی که کودک شروع به نام‌گذاری و توضیح نقاشی خود می‌کند، رشد تخیل کلامی مطرح می‌شود. در برخی از کودکان، «تخیل» تصویری قوی‌تر است و آن‌ها علاوه بر نام‌گذاری تصاویر، توضیحات و داستان‌های جالبی برای نقاشی خود می‌گویند و به این وسیله همراه با تصاویر، خواسته‌ها و افکار درونی خود را نیز بیان می‌کنند (جزایری، ۱۳۷۵).

۱-۲- تصویرسازی کتاب کودک

تصویرسازی کتاب کودک در شکل امروزی خود، با آثار راندولف کالدکات^۱، تصویرگر انگلیسی، وارد مرحله‌ای تازه شد. او از نخستین هنرمندانی بود که تصاویر رنگی، خلاقانه و خیال‌انگیز را به‌صورت جدی در کنار داستان‌های کودکان به کار گرفت و از این طریق، نقش تصویر را در انتقال مفاهیم و همراهی با متن برجسته کرد. امروزه نیز تصویرسازی یکی از عناصر اساسی کتاب کودک به شمار می‌رود؛ زیرا مخاطبان این گروه سنی، به‌ویژه کودکان خردسال، هنوز توانایی کامل خواندن و درک متون نوشتاری را کسب نکرده‌اند و بخش قابل توجهی از دریافت آنان از طریق عناصر دیداری صورت می‌گیرد. از این رو، تصویر می‌تواند ضمن تسهیل درک محتوای کتاب، زمینه تخیل، خیال‌پردازی و شکل‌گیری تصاویر ذهنی را در کودک فراهم کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در تصویرسازی کتاب کودک، توانایی تصویرگر در برقراری ارتباط مؤثر با مخاطب است. تصویرگر باید با ویژگی‌های گروه‌های سنی مختلف، خصوصیات روان‌شناختی، عاطفی و شناختی و همچنین مراحل رشد ذهنی و جسمی کودکان آشنایی داشته باشد. قدرت تخیل، شیوه ادراک، میزان توجه و حتی

1. Randolph Caldecott

نحوه دریافت و تفسیر محرک‌های دیداری در کودکان با بزرگ‌سالان تفاوت دارد. شناخت این ویژگی‌ها به تصویرگر کمک می‌کند تا تصاویری متناسب با ظرفیت ادراکی مخاطب خلق کند و از طریق آن، کودک را به برقراری ارتباط با کتاب و محتوای آن ترغیب نماید. تصویرگر حرفه‌ای همچنین باید متن و داستان کتاب را به دقت مطالعه کرده و ساختار روایی و مفهومی آن را به خوبی درک کند. تصویرسازی موفق زمانی شکل می‌گیرد که تصویر نه تنها بازگویی مستقیم متن نباشد، بلکه در تعامل با آن، به تکمیل، گسترش و تعمیق معنا کمک کند. از این منظر، تصویرگر با بهره‌گیری از عناصر محسوس و نامحسوس، می‌تواند از بازنمایی صرف واقعیت فراتر رفته و با استفاده از فرم‌های انتزاعی، نمادین و تخیلی، لایه‌های پنهان معنا را آشکار سازد. همچنین، تصویرسازی می‌تواند با پر کردن فضاهای خالی و ناگفته متن، زمینه‌ای برای گسترش روایت و فعال شدن تخیل مخاطب فراهم آورد. در این فرایند، هماهنگی میان زبان تصویری اثر و لحن حاکم بر متن، نقش مهمی در انتقال بهتر معنا و ایجاد انسجام میان تصویر و روایت دارد (رجبی، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، تصویرسازی کتاب کودک همواره در چارچوب محدودیت‌ها و قواعدی شکل می‌گیرد که از ویژگی‌های مخاطب، محتوای اثر و ساختار کتاب ناشی می‌شود. تصویرگر باید میان تخیل و خیال‌پردازی و ضرورت ایجاد ارتباط قابل درک با مخاطب کودک تعادل برقرار کند. از این منظر، تصویرسازی موفق صرفاً به خلق تصاویری پرزرق‌وبرق و خیال‌انگیز محدود نمی‌شود، بلکه باید با جهان ذهنی و نیازهای ادراکی کودک تناسب داشته باشد و در عین جذابیت، امکان برقراری ارتباط معنادار با محتوای اثر را فراهم کند (صفی‌پور و حمیلی، ۱۳۹۱).

یکی دیگر از نیازهای اساسی کودک، نیاز به زیبایی و تجربه هنری است. کودکان نسبت به جلوه‌های زیبایی‌شناختی محیط پیرامون خود واکنش نشان می‌دهند و کتاب می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارهای پاسخ‌گویی به این نیاز باشد. کتاب‌های تصویری از طریق ترکیب متن، تصویر و عناصر زیبایی‌شناختی، زمینه‌آشنایی کودک با مفاهیم هنری و تقویت حس زیبایی‌شناسی او را از سال‌های نخست زندگی فراهم می‌کنند. براین اساس، هرچه تصویرسازی با ویژگی‌های عاطفی، ذهنی و ادراکی کودک هماهنگی بیشتری داشته باشد، امکان برقراری ارتباط عمیق‌تر با مخاطب افزایش می‌یابد. تصویر می‌تواند احساسات و خواسته‌های کودک را بازتاب دهد، تخیل او را تحریک کند و زمینه رشد خلاقیت و ابتکار را فراهم آورد. از این رو، تصویرسازی کتاب کودک را می‌توان فراتر از یک عنصر تزئینی، به عنوان ابزاری هنری و ارتباطی در فرایند رشد، آموزش و شکل‌گیری تجربه زیبایی‌شناختی کودک در نظر گرفت (سلیم‌زاده، ناظری و قاضی‌زاده، ۱۳۹۸).

۲- تصویرسازی آثار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه ۸۰ تا ۹۰

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت خود را در حوزه نشر کتاب کودک با انتشار کتاب «دخترک دریا» با ترجمه فرح پهلوی در سال ۱۳۴۵ آغاز کرد. این نهاد فرهنگی در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۳ موفق به کسب ۲۸ جایزه ملی و بین‌المللی از جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های معتبر، از جمله یونسکو، بولونیا، براتیسلاوا، سندیکای چاپگران ژاپن و شورای کتاب کودک شد. از این منظر، می‌توان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را یکی از نهادهای تأثیرگذار در شکل‌گیری و ارتقای استانداردهای ادبیات و تصویرسازی کتاب کودک در ایران دانست؛ زیرا بسیاری از معیارها و رویکردهای نوین این حوزه نخست در تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مطرح شد و بعدها مورد توجه و استفاده سایر ناشران قرار گرفت.

تحولات ادبیات و تصویرسازی کودک در دهه‌های پیش از دهه ۱۳۷۰، به‌ویژه در دهه ۱۳۵۰، تا حد زیادی ادامه جریان‌های شکل‌گرفته در دهه‌های پیشین بود. با این حال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بخشی از ناشران فعال این

دوره از عرصه نشر کنار رفتند یا فعالیت آنان کاهش یافت. از جمله این ناشران می‌توان به انتشارات فرانکلین و شرکت سهامی سازمان کتاب‌های جیبی اشاره کرد. در مقابل، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انتشارات امیرکبیر، سروش و دفتر فرهنگ در این دوره همچنان حضور مؤثری در حوزه ادبیات و تصویرسازی کودک داشتند. کسب جایزه هانس کریستین آندرسن در سال ۱۳۵۳ توسط فرشید مثقالی، که یکی از معتبرترین جوایز جهانی ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌رود، نقطه عطفی در تاریخ تصویرسازی کتاب کودک ایران محسوب می‌شود و نشان‌دهنده ورود تصویرگری ایران به دوره‌ای درخشان و تثبیت شده است. در این میان، انقلاب ۱۳۵۷ نیز موجب شد ادبیات و تصویرسازی کودک در ایران به دو دوره متمایز پیش و پس از انقلاب تقسیم شود (اکرمی، ۱۳۸۹). کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس از انقلاب نیز با فعالیت گسترده‌تر به مسیر خود ادامه داد. بسیاری از تصویرگران فعال این دوره، فعالیت حرفه‌ای خود را از دهه ۱۳۴۰ آغاز کرده بودند و در دهه‌های بعد به چهره‌هایی تأثیرگذار در حوزه تصویرسازی کتاب کودک تبدیل شدند. از جمله این هنرمندان می‌توان به فوزی تهرانی، سیمین شهروان، مهنوش شیر، صادق صندوقی، نفیسه ریاحی، بهرام خائف، محمدرضا دادگر، نسرين خسروی، هوشنگ محمدیان و جمال‌الدین خرمی اشاره کرد.

همچنین تصویرگرانی همچون بهمن دادخواه، فرشید مثقالی، علی‌اکبر صادقی، نیکزاد نجومی و نورالدین زرین‌کلک از جمله هنرمندان برجسته‌ای بودند که در دوره‌های بعد به فعالیت‌های گسترده و اثرگذاری در حوزه تصویرسازی کودک پرداختند (اکرمی، ۱۳۸۹).

براین اساس، دهه ۱۳۴۰ را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ تصویرسازی کتاب کودک ایران دانست؛ زیرا تصویرسازی در این دوره با فاصله گرفتن از جریان‌های سنتی و بهره‌گیری از رویکردهای نوین، به سوی شکل‌گیری زبان تصویری مدرن حرکت کرد. در دهه‌های بعد نیز، هم‌زمان با افزایش تقاضای جامعه برای کتاب کودک، کتاب‌های تصویری اهمیت بیشتری یافتند و تصویرگران با بهره‌گیری از سبک‌ها، شیوه‌ها و تکنیک‌های جدید، مرحله تازه‌ای از تحول تصویرسازی را رقم زدند. در این روند، دهه ۱۳۴۰ با رشد و تحول اندیشه درباره مخاطب کودک همراه بود، در حالی که تصویرسازی در دهه ۱۳۸۰ بیش از پیش تحت تأثیر جشنواره‌های بین‌المللی و بازار جهانی هنر و نشر قرار گرفت. یکی از ویژگی‌های مهم تصویرسازی کتاب کودک در دهه‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰، به‌ویژه در آثار منتشر شده توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، گذار تدریجی از رویکردهای سنتی و حرکت به سوی تعامل با جریان‌های جهانی هنرهای تجسمی و تصویرسازی بود. این تحول تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل گرفت که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ورود فناوری‌های پیشرفته چاپ و لیتوگرافی و گسترش استفاده از چاپ افست اشاره کرد. این تحولات فنی امکان تولید و انتشار کتاب‌های کودک با کیفیت بصری بالاتر را فراهم ساخت و زمینه را برای توسعه و تنوع بیشتر در شیوه‌های تصویرسازی مهیا کرد. از دیگر ویژگی‌های قابل توجه تصویرسازی کتاب کودک در این دوره، استفاده از اغراق در عناصر تصویری و بصری است. اغراق به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در ایجاد فضای خیال‌انگیز، در طراحی شخصیت‌ها، عناصر بصری، ترکیب‌بندی و فضا سازی آثار مورد استفاده قرار گرفته است. در طراحی شخصیت‌ها، این ویژگی اغلب در قالب ساده‌سازی، اغراق در ویژگی‌های ظاهری و کودک‌نمایی نمود پیدا می‌کند. همچنین در ترکیب‌بندی و فضا سازی نیز با استفاده از عناصر بصری و تغییر در تناسبات، نوعی اغراق هدفمند ایجاد می‌شود که در شکل‌گیری فضای تخیلی و جذاب آثار نقش دارد. موضوع خانواده نیز یکی دیگر از مضامین قابل توجه در تصویرسازی کتاب‌های منتشر شده توسط کانون در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ است. در این دوره، تصویرگران با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین، به بازنمایی روابط خانوادگی و نقش خانواده در زندگی کودک پرداخته‌اند. افزایش توجه جامعه به جایگاه و اهمیت خانواده در دهه‌های اخیر، از جمله عواملی است که می‌توان در

گسترش این موضوع در تصویرسازی کتاب‌های کودک مؤثر دانست. در این دوره، برخی از تصویرگران ایرانی نیز با حضور در جشنواره‌های بین‌المللی، جایگاه تصویرسازی کتاب کودک ایران را در عرصه جهانی تثبیت کردند. محمدعلی بنی‌اسدی از جمله تصویرگرانی است که در این زمینه حضور چشمگیری داشته است. آثار او در کنار آثار دیگر تصویرگران ایرانی به بخش مسابقه تصویرگری نمایشگاه بین‌المللی کتاب شارجه راه یافت. این نمایشگاه با هدف ارتقای کیفیت تصویرسازی کتاب کودک و ایجاد ارتباط میان تصویرگران، نویسندگان، ناشران و سایر فعالان حوزه کتاب کودک در سطح بین‌المللی برگزار می‌شود. از دیگر تصویرگران ایرانی حاضر در این رویداد می‌توان به محمدحسین ماتک، مژگان سعیدیان، نگین احتسابیان، علی بوذری، حسن عامه‌کن، هاله قربانی و نوشین صادقیان اشاره کرد.

همچنین کتاب «پرنده‌ها و آسمان» نوشته فریده فرجام و تصویرگری محمدعلی بنی‌اسدی، از تولیدات سال ۱۳۹۸ کانون، در میان آثار حاضر در این رویداد قرار داشت. بنی‌اسدی در تصویرسازی این کتاب از طراحی با خودکار و تکنیک میکس مدیا بهره گرفته است.

در مجموع، بررسی روند تحولات تصویرسازی کتاب کودک در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که این نهاد از دهه ۱۳۴۰ به بعد، نقش مهمی در شکل‌گیری و توسعه تصویرسازی نوین کتاب کودک در ایران داشته است. حرکت از تصویرسازی سنتی به سوی تجربه‌های متنوع در سبک، تکنیک، ترکیب‌بندی و موضوع، همراه با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین چاپ و ارتباط با جریان‌های بین‌المللی، موجب شده است آثار تصویری کانون در دوره‌های مختلف از ویژگی‌های متنوع و قابل بررسی برخوردار باشند. این روند، زمینه مناسبی برای مطالعه تطبیقی ساختار بصری آثار تصویرسازی کانون و بازتاب آن در طراحی و تصویرسازی روی جلد کتاب‌های کودک در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ فراهم می‌کند.

۲-۱- تحلیل ساختار بصری در تصویرسازی‌های آثار دهه ۱۳۸۰

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با هدف فراهم کردن زمینه‌های رشد فکری، پرورش خلاقیت و شکوفایی استعدادها، کودکان و نوجوانان، به‌ویژه در اوقات فراغت، فعالیت‌های گسترده‌ای در حوزه تولید و انتشار کتاب داشته است. در دهه ۱۳۸۰ نیز آثار متنوعی در زمینه ادبیات و تصویرسازی کودک و نوجوان توسط این نهاد منتشر شد که برخی از آن‌ها از نظر شیوه روایت، مضمون و نحوه ارتباط میان متن و تصویر، قابلیت بررسی و تحلیل دارند.



تصویر ۱. تصویرسازی جلد کتاب «دیو دیگ به سر». علی خدایی: ۱۳۸۸

تصویر ۲. نقاشی کودک ۸ ساله، ۱۳۸۸، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تصویر ۳. نقاشی کودک ۱۰ ساله، ۱۳۸۹، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کتاب «دیو دیگ به سر» یا «این جوری بود که اون جوری شد» نوشته فرهاد حسن‌زاده و تصویرگری علی خدایی است که نخستین بار در سال ۱۳۸۸ منتشر شد. این اثر با بهره‌گیری از عناصر داستان‌های سنتی و بومی، روایتی

ماجرای جوانانه و طنزآمیز ارائه می‌دهد و مخاطب کودک را به صورت غیرمستقیم با موضوعاتی همچون مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی آشنا می‌کند. تصویرگری علی خدایی نیز با استفاده از شیوه‌ای خلاقانه، در تعامل با ساختار داستان قرار گرفته و فعالیت‌های تصویری و تعاملی را در میان صفحات کتاب جای داده است. این ویژگی، رابطه‌ای فعال میان متن، تصویر و مخاطب ایجاد کرده و تجربه خواندن را از فرایندی صرفاً روایی فراتر می‌برد (تصویر ۱).



تصویر ۴. تصویر روی جلد کتاب «رفیق و نارفیق». راشین خیریه، منوچهر کریم‌زاده؛ محمدعلی جعفری، ۱۳۸۷

تصویر ۵. نقاشی کودک ۵ ساله، ۱۳۸۹، منبع آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تصویر ۶. نقاشی کودک ۹ ساله، ۱۳۸۹، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان

«رفیق و نارفیق» نوشته دس برار و کین برار، با ترجمه محمدعلی جعفری و تصویرگری راشین خیریه نیز از دیگر آثار منتشر شده در این دوره است که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۸۸ انجام شد. در این داستان، دو دوست در جست‌وجوی کار به شهرها سفر کردند تا کار خوبی پیدا کنند. یکی از آن‌ها که بدجنس بود، سر دیگری را کلاه گذاشت و او را در بیابان رها کرد. اما سرانجام همان رفیق خوب به نزد پادشاه شهر رفت، دختر مریض او را مداوا کرد و با او ازدواج کرد. ولی رفیق بد که سرانجام او گدایی شده بود، توسط جانوران و حیوانات وحشی از بین رفت. این اثر از مجموعه داستان‌های «مرز پرگهر» است و به دو زبان فارسی و تاتی به نگارش درآمده است. نگارنده هدف از نگارش این کتاب را آشنایی مخاطبان با فرهنگ غنی و آداب و رسوم ارزشمند مردم مسلمان ایران بیان می‌کند (تصویر ۴).



تصویر ۷. تصویر روی جلد «ماه تی تی کلاه تی تی». راشین خیریه، شهرام رجب‌زاده، افسانه شعبان‌زاده، ۱۳۸۵

تصویر ۸. نقاشی کودک ۱۲ ساله، ۱۳۸۸، منبع مجله رشد کودک و نوجوان

تصویر ۹. نقاشی کودک ۱۰ ساله، ۱۳۸۲، منبع: آرشیو صدا و سیما

کتاب «ماه تی تی، کلاه تی تی» نوشته افسانه شعبان‌نژاد و تصویرگری راشین خیریه، از دیگر نمونه‌های قابل توجه این دوره است که در سال ۱۳۸۵ منتشر شد. این کتاب، مجموعه‌ای است از بازی-ترانه‌ها، شعر و نمایش است. نویسنده در آغاز کتاب سخنی در مورد متن کتاب دارد و از مربیان می‌خواهد با ابتکار خود و کمک کودکان بخش‌های گوناگون کتاب را در مهدهای کودک به اجرا در آورند. نویسنده از ادبیات عامیانه، ترانه‌ها و قصه‌ها، مثل‌ها الهام گرفته است و با سبک و ریتم آن‌ها برای بچه‌ها شعر، بازی-ترانه و نمایش تألیف کرده است. هرکدام از قسمت‌ها یادآوری یکی از قصه‌های موزون و بازی-ترانه قدیمی است و کودکان را با عناصر طبیعت فصل‌ها، عمو نوروز و

حاجی‌فیروز آشنا می‌کند. مهارت‌های حرکتی و بازی‌های گروهی را در کودکان تقویت می‌کند و هنر اظهار وجود در جمع را به آن‌ها می‌آموزد. کودکان ارتباط و برخورد سازنده با دیگران را تجربه می‌کنند. مطالعه کتاب برای مریان و کسانی که با کودکان کار می‌کنند پیشنهاد می‌شود (تصویر ۷).

- خلق شخصیت

در خلق شخصیت‌های تصویری این دوره، استفاده از خطوط منحنی و قوس‌دار و تضاد میان خطوط مستقیم و منحنی، نقش مهمی در ایجاد ریتم و برجسته‌سازی ویژگی‌های شخصیت دارد. در برخی آثار نیمه دوم این دهه، شخصیت‌ها به صورت کلی و گاه در قالب سایه‌ای از شخصیت نمایش داده شده‌اند. حضور شخصیت‌های تخیلی انسانی، حیوانی و گیاهی نسبت به دوره پیشین افزایش یافته و اغراق، ساده‌سازی و کودک‌نمایی برای ایجاد فضای خیال‌انگیز و جذابیت بیشتر به کار رفته است. این ویژگی‌ها در نقاشی کودکان نیز دیده می‌شود و نشان‌دهنده نوعی هم‌خوانی میان نقاشی کودک و تصویرسازی کتاب‌های کودک در استفاده از تخیل و اغراق است.

- ویژگی بصری خطوط

در تصویرسازی‌های این دوره، استفاده از خطوط منحنی، قوس‌دار و مایل افزایش یافته است. خطوط مایل با ایجاد حس حرکت، هیجان و پویایی، به برقراری ارتباط مؤثرتر با مخاطب کودک کمک می‌کنند. تنوع در کاربرد خطوط افقی، عمودی، منحنی و مایل، موجب ایجاد ریتم و حرکت در تصاویر شده است. این آزادی در استفاده از خط، با نقاشی کودکان این دوره نیز هم‌خوانی دارد؛ زیرا کودکان نیز بدون پایبندی به قواعد ثابت، از خطوط برای بیان احساسات و تخیلات خود استفاده می‌کنند.

- ترکیب‌بندی و فرم در تصویر

ترکیب عناصر هندسی و غیرهندسی، فرم‌های انتزاعی و بافت‌های متنوع، از ویژگی‌های مهم تصویرسازی این دوره است که کیفیت بصری متفاوتی نسبت به دوره‌های پیشین ایجاد کرده است. اغراق در فرم، شکل و اندازه عناصر تصویری، ضمن افزایش جذابیت و ایجاد فضای خیال‌انگیز، به تقویت خلاقیت و جنبه روایی تصاویر کمک کرده است. این ویژگی در نقاشی کودکان نیز مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که عناصر الزاماً در مرکز صفحه قرار ندارند و در سراسر سطح تصویر پراکنده‌اند. این شیوه بیانگر آزادی در سازمان‌دهی فضای تصویری است.

- رنگ

پیشرفت فناوری چاپ و ورود ابزارهای رایانه‌ای، امکان استفاده از طیف گسترده‌تری از رنگ‌ها را در تصویرسازی فراهم کرده است. تصویرگران با بهره‌گیری هم‌زمان از تکنیک‌های دستی و دیجیتال، تنوع بیشتری در رنگ، بافت و کیفیت بصری آثار ایجاد کرده‌اند. در نقاشی کودکان این دوره نیز استفاده از رنگ‌های گرم و متنوع بیشتر دیده می‌شود. همچنین پر کردن بخش عمده صفحه با رنگ و عناصر تصویری، می‌تواند بیانگر تمایل کودک به ابراز وجود، تعامل با محیط و بیان گسترده‌تر تجربه‌های ذهنی باشد.

- قرارگیری در دوره‌های مختلف

شرایط اجتماعی، فرهنگی و فناوری هر دوره بر شکل‌گیری زبان بصری تصویرسازی و نقاشی کودکان تأثیرگذار است. در دهه مورد بررسی، گسترش رسانه‌های دیجیتال و فضای مجازی، منابع تصویری متنوعی در اختیار کودکان قرار داده و تصویرگران را نیز به استفاده از شیوه‌های خلاقانه‌تر برای جذب مخاطب سوق داده است. آثار منتشر شده توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این دوره، با حضور موفق در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی، توانایی تصویرگران را در شناخت مخاطب معاصر و بهره‌گیری از زبان بصری متناسب با شرایط جدید نشان می‌دهد.

در نقاشی کودکان نیز تغییرات سبک زندگی، گسترش شهرنشینی و زندگی آپارتمانی بازتاب یافته است. جایگزینی خانه‌های سنتی با ساختمان‌های چندطبقه و افزایش تصاویر مرتبط با جشن‌های تولد و مناسبت‌های خانوادگی، از جمله نشانه‌های این تغییرات است.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی نسبت میان تصویرسازی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از نقاشی کودکان دهه ۸۰

مؤلفه‌های بصری	تصویرسازی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	نقاشی کودکان دهه ۱۳۸۰
خلق شخصیت	تضاد بین خطوط صاف و منحنی، اغراق در شخصیت‌ها، ساده‌سازی و کودک‌نمایی	خطوط منحنی متناوبی که در طراحی یک شخصیت ریتم ایجاد می‌کند، شخصیت‌های تخیلی
ویژگی بصری خطوط	خطوط دارای قوس‌های بسیار، هر دو خط افقی و عمودی	خط مایل که مهیج بودن را در بردارد
ترکیب‌بندی و فرم در تصویر	خودابرازی کودکان، توجه به شهرنشینی و گسترش آن	بی‌توجهی به مسائل پیرامون و اجتماع، پرداختن به خود
رنگ	استفاده بیشتر از رنگ‌های گرم، استفاده بیشتر از رنگ‌ها کامپیوتری با طیف‌های متعدد، دوری از فضای خالی و ناکارآمد	استفاده از رنگ با طیف‌های متفاوت، استفاده تکنیک‌های میکس مدیا و کلاژ
قرارگیری در دوره‌های مختلف	تأثیر از جنگ و ملزومات جنگی به دلیل مواجهه شدن در فضای بعد از آن، توجه به زندگی پیامبران	توجه به اعیاد و جشن‌های مذهبی، تزیینات صفحات

در مجموع، می‌توان گفت قرارگیری در دوره‌های تاریخی و اجتماعی متفاوت، نقش مهمی در شکل‌گیری زبان بصری نقاشی کودکان و تصویرسازی کتاب‌های کودک دارد. تغییرات فرهنگی، اجتماعی، فناوری و رسانه‌ای هر دوره، بر نحوه انتخاب رنگ، فرم، خط، ترکیب‌بندی و شیوه بازنمایی شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد. از این منظر، مطالعه هم‌زمان نقاشی کودکان و تصویرسازی کتاب‌های کودک می‌تواند زمینه مناسبی برای شناسایی وجوه اشتراک و تأثیرپذیری میان این دو حوزه و درک بهتر تحولات هنر تصویرسازی فراهم آورد. بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که در دهه ۱۳۸۰ تصویرسازی کتاب با استفاده از ترکیب‌بندی منسجم و رنگ‌های ملایم، هماهنگی مناسبی با فضای عاطفی و مضمون اثر ایجاد کرده است. در اینجا تصویر نه تنها نقش همراهی کننده متن را دارد، بلکه در انتقال مفاهیم انتزاعی و عاطفی داستان نیز مشارکت می‌کند. همچنین تصویرسازی در آثار منتشر شده کانون در دهه ۱۳۸۰، از سطح تزیین و همراهی ساده با متن فراتر رفته و به یکی از عناصر اصلی در روایت و انتقال مفاهیم تبدیل شده است. تصویرگران این آثار با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع در شخصیت‌پردازی، ترکیب‌بندی، رنگ، تکنیک و فضا‌سازی، تلاش کرده‌اند میان ویژگی‌های بصری اثر، محتوای داستان و نیازهای مخاطب کودک هماهنگی ایجاد کنند. از این منظر، آثار مورد بررسی را می‌توان نمونه‌هایی از رویکردی دانست که در آن تصویرسازی به عنوان زبانی مستقل اما هم‌سو با متن، در شکل‌گیری تجربه ادراکی و عاطفی کودک نقش ایفا می‌کند (جدول ۱).

۲-۲- تحلیل ساختار بصری در تصویرسازی‌های آثار دهه ۱۳۹۰

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پس از بیش از پنج دهه فعالیت، همچنان با حضور نسل جدیدی از هنرمندان در کنار پیشکسوتان، به تولید آثار متنوع در حوزه ادبیات و هنر کودک و نوجوان ادامه داده است. در دهه ۱۳۹۰، توجه به تجربه‌های بصری کودک و بهره‌گیری از ویژگی‌های نقاشی و تخیل کودکانه در تصویرسازی برخی آثار، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت. بررسی نمونه‌های این دوره نشان می‌دهد که تصویرگران با استفاده از شیوه‌های متنوع روایی و بصری، تلاش کرده‌اند میان جهان ذهنی کودک و ساختار تصویری کتاب ارتباطی مؤثر برقرار کنند.



تصویر ۱۰. جلد کتاب «اسب و سیب و بهار»، راشین خیریه، ۱۳۹۵

تصویر ۱۱. نقاشی کودک ۸ ساله، ۱۳۹۵ منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تصویر ۱۲. نقاشی کودک ۱۰ ساله، ۱۳۹۸ منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کتاب «اسب و سیب و بهار» نوشته احمد رضا احمدی و تصویرگری راشین خیریه، از دیگر آثار منتشر شده در سال ۱۳۹۵ است. این اثر با روایتی کوتاه، مفاهیمی همچون تنهایی و جدایی را برای مخاطب کودک و نوجوان مطرح می‌کند. تصویرسازی راشین خیریه با استفاده از رنگ‌های پخته و ترکیب‌بندی منسجم، هماهنگی قابل توجهی با فضای عاطفی و شاعرانه داستان دارد. در برخی تصاویر، شباهت‌هایی با بیان ساده و آزاد نقاشی کودکانه مشاهده می‌شود که می‌تواند زمینه ارتباط عاطفی و بصری بیشتری با مخاطب فراهم کند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۳. کتاب «یک آدم نقاشی کن». میترا عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۷

تصویر ۱۴. نقاشی کودک ۱۰ ساله، ۱۳۹۸، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تصویر ۱۵. نقاشی کودک ۱۱ ساله، ۱۳۹۸، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

«یک آدم نقاشی کن» نوشته فریا کلهر و تصویرگری میترا عبداللهی، از آثار منتشر شده در سال ۱۳۹۸ است. داستان، گفت‌وگوی میان دخترکی به نام صبا و «عمو نقاش» را روایت می‌کند. این کتاب داستان عمو نقاش و دختر کوچکی به نام صبا است که گفت‌وگوهای آن‌ها شکل‌دهنده بدنه اصلی داستان است. عمو نقاش قرار است برای صبا یک آدم بکشد اما به جای آن یک موش می‌کشد، از همین جای داستان چالش‌های صبا با تعریف انسان و ماهیت و هویت او آغاز می‌شود. تصویرگر در این اثر با فاصله گرفتن از الگوهای متعارف تصویرسازی، تلاش کرده است جهان داستان را از زاویه دید کودک بازنمایی کند. تأکید بر نگاه کودکانه و توجه به ویژگی‌های ذهنی مخاطب، از مهم‌ترین ویژگی‌های بصری این اثر به شمار می‌رود و نشان‌دهنده رویکردی متفاوت نسبت به تصویرسازی کتاب کودک در دوره‌های پیشین است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۶. جلد کتاب «قصه‌های سروته». الهام کاظمی، ۱۳۹۸

تصویر ۱۷. نقاشی کودک ۱۳ ساله، ۱۳۹۷، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

تصویر ۱۸. نقاشی کودک ۹ ساله، ۱۳۹۸، منبع: آرشیو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

کتاب «قصه‌های سروته» نوشته محمدرضا شمس و تصویرگری الهام کاظمی نیز در سال ۱۳۹۲ توسط کانون منتشر شد. این کتاب، مجموعه‌ای داستان طنز و جذاب و سرگرم‌کننده برای کودکان است که با داستان‌های دیگر کودکان متفاوت است. این داستان‌های کوتاه موقعیت طنز می‌سازند و کودک را می‌خندانند. در این مجموعه، ۱۴ قصه آشنا و قدیمی آورده شده؛ این داستان‌ها بسیار کوتاه هستند و سروته روایت شده‌اند. مثلاً لوبیای سحرآمیز است که غول دارد یا کدو قلقله‌زن، دنبال پیرزن می‌گردد به جای آنکه پیرزن قصه، دنبال او باشد. در گزیده‌ای از کتاب، یک آینه بود که یک پری داشت. اسم پری، آینه پری بود. آینه پری، خیلی قشنگ بود. خیلی ناز بود. موهاش سیاه بود، لپ‌هاش قرمز بود، بال‌هاش سفید و نقره‌ای بود. هر کس توی آینه نگاه می‌کرد، مثل آینه پری می‌شد؛ قشنگ می‌شد. ناز می‌شد. یک روز، جادوگری آینه پری رو دزدید و توی آینه زندانی کرد. جادوگر هر روز می‌آمد سراغ آینه و می‌گفت: «آینه! من قشنگ ترم یا تو؟». آینه می‌گفت: «نه تو قشنگی، نه من. آینه پری از همه قشنگ‌تره» (تصویر ۱۶).

- خلق شخصیت

در خلق شخصیت، تصویرگران این دوره نسبت به دوره‌های گذشته از اغراق بیشتری استفاده کرده‌اند و از این نظر شباهت‌هایی با نیمه دوم دهه ۸۰ مشاهده می‌شود. تضاد میان خطوط منحنی و صاف، در طراحی فیگورها نقش مهمی دارد و ایجاد ریتم در فضای تصویر به جذب مخاطب کمک می‌کند. برخلاف دوره‌های پیشین، شلوغی بصری کمتر شده و تمرکز بیشتری بر شخصیت اصلی داستان و پرداخت ویژگی‌های آن دیده می‌شود. استفاده از شخصیت‌های گرد و بامزه که احساس امنیت و اطمینان را در مخاطب ایجاد می‌کنند، از ویژگی‌های بارز این دوره است؛ ویژگی‌ای که در نقاشی کودکان این نسل نیز مشاهده می‌شود. همچنین شخصیت‌های انتزاعی انسانی و غیرانسانی در تصویرگری و نقاشی کودکان این دوره حضور بیشتری دارند. توجه به هویت ایرانی و عناصر بومی نیز از ویژگی‌های مهم این آثار است. استفاده از پوشش اقوام مختلف ایرانی و نقش‌ونگارهای سنتی، در کنار کاهش الگوپذیری از فرهنگ غرب، نشان‌دهنده توجه بیشتر به هویت فرهنگی و بومی است. چهره‌پردازی ساده و بیان حالات درونی شخصیت‌ها با استفاده از خطوط محدود نیز بیانگر مهارت تصویرگران این دوره است.

- ویژگی بصری خطوط

تصویرگران این دوره با استفاده هوشمندانه از تضاد خطوط و ایجاد حجم، تأثیر بصری بیشتری بر مخاطب گذاشته‌اند. خطوط شکسته و پرتحرک، به‌ویژه در تصاویری که با محتوای داستان هماهنگ هستند، کاربرد بیشتری دارند و علاوه بر ایجاد هیجان، به استحکام بصری اثر کمک می‌کنند. همچنین از خطوط برای ایجاد تراکم، نرمی و سختی در حجم‌ها استفاده شده است. در نقاشی کودکان این دوره نیز مانند دهه ۸۰، تمرکز خطوط و اشکال از مرکز صفحه به سوی اطراف گسترش می‌یابد و کودک از تمام سطح کاغذ برای بیان ذهنیات خود استفاده می‌کند. در مقابل،

استفاده از خطوط کاملاً افقی و عمودی که بیانگر ایستایی و آرامش هستند، کاهش یافته و اشکال ساده و پویاتر جایگزین آن‌ها شده‌اند.

- ترکیب‌بندی و فرم در تصویر

در ترکیب‌بندی و فرم، اغراق همچنان یکی از ویژگی‌های مهم تصویرسازی این دوره است؛ با این تفاوت که تجربه و مهارت بیشتر تصویرگران، به ایجاد کیفیت بصری مطلوب‌تری منجر شده است. ترکیب اشکال ساده و تبدیل آن‌ها به فرم‌های جدید، متناسب با فضای داستان و نیازهای مخاطب، زمینه خلق تصاویر متنوع و خلاقانه را فراهم کرده است. در این دوره، ترکیب‌های متقارن و ایستا کمتر دیده می‌شوند و در مقابل، استفاده از ترکیب‌های اریب و پویا افزایش یافته است. این نوع ترکیب‌بندی با ایجاد حس ناپایداری و حرکت، با ویژگی‌های زندگی معاصر و ذهن پویای مخاطب هماهنگ است. با وجود آنکه ترکیب اریب در نگاه نخست می‌تواند بیانگر عدم تعادل باشد، تصویرگر خلاق از همین ویژگی برای ایجاد فضایی پویا، سازنده و تأمل‌برانگیز بهره می‌گیرد. این ویژگی در نقاشی کودکان این دوره نیز مشاهده می‌شود و تأثیر آن بر آثار تصویرگران قابل توجه است.

- رنگ

یکی از ویژگی‌های مهم تصویرسازی این دوره، توجه بیشتر تصویرگران به روان‌شناسی رنگ و تأثیر آن بر مخاطب کودک است. استفاده هم‌زمان از رنگ‌های کروماتیک و آکروماتیک، امکان ایجاد احساسات و فضاهای متنوع را در تصاویر فراهم کرده است. رنگ‌های گرم مانند قرمز و نارنجی برای القای احساساتی همچون انرژی، شادی، گرما و هیجان و رنگ‌های سرد مانند آبی و سبز برای ایجاد آرامش، خلوت، سکون و گاه اندوه به کار رفته‌اند. همچنین رنگ‌های خنثی نقش مهمی در ایجاد تعادل و هماهنگی میان عناصر رنگی دارند. در مجموع، رنگ در تصویرسازی کتاب کودک این دوره نقش مؤثری در جذب مخاطب و انتقال فضای داستان دارد.

میان تصویرسازی‌های این دوره و نقاشی کودکان نیز شباهت‌هایی، به‌ویژه در استفاده از رنگ‌های زنده و پوشش گسترده سطح صفحه، مشاهده می‌شود.

- قرارگیری در دوره‌های مختلف

گسترش شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال، جایگاه کتاب‌خوانی را در میان نوجوانان این نسل نسبت به گذشته کاهش داده است. در مقابل، کودکان پیش از ورود به مدرسه همچنان ارتباط گسترده‌ای با کتاب‌های تصویری دارند و خانواده‌ها نیز توجه بیشتری به انتخاب کتاب‌های مناسب برای آنان نشان می‌دهند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تغییرات، شکل‌گیری فرهنگ تصویری در میان نسل جدید است. این روند در آثار منتشر شده توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که در برخی آثار، حجم متن کاهش یافته و تصویر نقش اصلی را در روایت بر عهده گرفته است. حتی برخی کتاب‌ها بدون متن و صرفاً بر پایه تصویر طراحی شده‌اند و مخاطب را به تفسیر تصاویر و ساختن روایت ذهنی دعوت می‌کنند. این تأثیرات در نقاشی کودکان نیز قابل مشاهده است. گسترش دسترسی به اطلاعات و رسانه‌ها موجب شده است کودکان با فرهنگ‌ها، اقوام و شیوه‌های زندگی گوناگون آشنایی بیشتری پیدا کنند. بازتاب این آشنایی را می‌توان در نوع پوشش، نقش‌ونگار لباس‌ها، طراحی فیگورها و توجه بیشتر به محیط پیرامون در نقاشی‌های آنان مشاهده کرد.

جدول ۲. مقایسه تطبیقی نسبت میان تصویرسازی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از نقاشی کودکان دهه ۹۰

مؤلفه‌های بصری	تصویرسازی‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان	نقاشی کودکان دهه ۱۳۹۰
خلق شخصیت	دور از شلوغی و توجه به شخصیت اصلی داستان، استفاده از شخصیت‌های گرد و بامزه، استفاده از شخصیت‌های انتزاعی، توجه به سنت ایرانی بودن	اغراق در خلق شخصیت، استفاده هوشمندانه از نقاط مختلف کاغذ، توجه به نقش‌ونگار در لباس‌ها
ویژگی بصری خطوط	ایجاد تضاد و حجم اثرگذار، خط‌های شکسته، خط نافذ و در عین حال مستحکم، خطوط برای تراکم، نرمی و سختی، در قسمت‌هایی حجمی از تجمع خطوط	خطوط از مرکز به اطراف حرکت کردند، استفاده از اشکال به صورت ساده‌سازی
ترکیب‌بندی و فرم در تصویر	کیفیت بصری مطلوب‌تر، اشکال ساده و به دست آوردن شکل جدید، استفاده از ترکیب اریب	اغراق در فرم و شکل، استفاده از فرم‌های ساده اما اثرگذار
رنگ	استفاده از رنگ‌های اکروماتیک و کروماتیک، استفاده از رنگ‌های خلوت‌پذیر، استفاده از رنگ خنثی برای ایجاد تعادل	رنگ‌آمیزی کل صفحه، استفاده از تکنیک‌هایی برای چاپ دستی
قرارگیری در دوره‌های مختلف	عضویت در شبکه‌های اجتماعی و از دست دادن جایگاه کتاب، شکل‌گیری فرهنگ تصویری، آشنایی با قوم و ملیت‌های مختلف	توجه به اطراف و شیوه‌های زیستی آنان

در مجموع، بررسی آثار منتخب کانون در دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که تصویرسازی کتاب کودک در این دوره، بیش از گذشته به سمت مخاطب محوری، مشارکت فعال کودک، سادگی و خلاقیت بصری، استفاده از عناصر تعاملی و توجه به جهان ذهنی و تخیلی کودک حرکت کرده است. در برخی آثار، ویژگی‌هایی همچون سادگی فرم، اغراق، رنگ‌های شاد، ساختارهای تصویری نزدیک به نقاشی کودکان و روایت‌پردازی تصویری، امکان ارتباط مستقیم‌تر مخاطب با اثر را فراهم کرده‌اند. این رویکرد را می‌توان نشانه‌ای از تغییر نگاه به تصویرسازی کودک دانست؛ به گونه‌ای که تصویر دیگر صرفاً همراه متن نیست، بلکه در بسیاری از آثار به عنصری مستقل برای روایت، آموزش، بازی، کشف و تقویت خلاقیت کودک تبدیل شده است (جدول ۲).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی ساختار بصری تصویرسازی روی جلد کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نقاشی‌های کودکان در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ انجام شد. بررسی نمونه‌های مورد مطالعه نشان داد که میان نقاشی کودکان و تصویرسازی کتاب کودک، در مؤلفه‌هایی همچون شخصیت‌پردازی، کاربرد خط، رنگ، فرم، ترکیب‌بندی، اغراق و تخیل‌پردازی، ارتباط و هم‌خوانی قابل توجهی وجود دارد. این هم‌خوانی را می‌توان تا حدی ناشی از تأثیرپذیری زبان بصری تصویرسازی از ویژگی‌های ذهنی و بیانی کودک دانست. در زمینه شخصیت‌پردازی، استفاده از فرم‌های ساده، اغراق‌شده و گاه انتزاعی در هر دو گروه آثار مشاهده شد. همچنین بهره‌گیری از خطوط منحنی، مایل و شکسته، در کنار ترکیب‌های پویا و غیرمتقارن، موجب ایجاد حرکت، هیجان و تنوع بصری شده است. این ویژگی‌ها در نقاشی کودکان نیز به شکل آزادانه و بدون پایبندی به قواعد متعارف دیده می‌شود. در حوزه رنگ نیز استفاده گسترده از رنگ‌های زنده و متنوع در تصویرسازی‌های کانون و نقاشی‌های کودکان، نقش مهمی در ایجاد جذابیت بصری و برقراری ارتباط با مخاطب دارد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که تصویرسازی‌های دهه ۱۳۹۰ نسبت به دهه ۱۳۸۰، بیش از پیش از امکانات فناوری‌های نوین، تنوع تکنیک‌ها و زبان تصویری معاصر بهره گرفته‌اند. در عین حال، توجه به هویت ایرانی، عناصر فرهنگی، اقوام و سبک زندگی اجتماعی در برخی آثار این دوره افزایش یافته است. در نقاشی کودکان نیز تغییرات اجتماعی و فرهنگی، از جمله گسترش شهرنشینی، زندگی آپارتمانی و افزایش ارتباط با رسانه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، در انتخاب موضوعات و عناصر تصویری بازتاب یافته است. از سوی دیگر،

گسترش رسانه‌های دیجیتال و شکل‌گیری فرهنگ تصویری در دهه‌های اخیر، موجب شده است تصویر نقش پررنگ‌تری در ارتباط با کودکان پیدا کند و در برخی آثار، تصویر به‌تنهایی وظیفه روایت و انتقال معنا را بر عهده گیرد. این تغییر، ضرورت توجه بیشتر تصویرگران و ناشران به شناخت ویژگی‌های ذهنی، روان‌شناختی و بصری مخاطب کودک را نشان می‌دهد. در مجموع، نتایج پژوهش بیانگر آن است که اگرچه تصویرسازی روی جلد کتاب و نقاشی کودک از نظر هدف و شیوه تولید با یکدیگر تفاوت دارند، اما در ساختار بصری و شیوه بیان، به‌ویژه در زمینه تخیل‌پردازی، اغراق، سادگی فرم، آزادی در استفاده از خط و رنگ و بازنمایی جهان ذهنی کودک، دارای اشتراکات قابل توجهی هستند. از این رو، نقاشی کودکان را می‌توان بازتابی از جهان ذهنی و بصری آنان و در عین حال منبعی ارزشمند برای الهام و شناخت زبان تصویری مناسب در تصویرسازی کتاب کودک دانست.

مطالعه تطبیقی این دو حوزه می‌تواند به درک بهتر تحولات تصویرسازی کتاب کودک در ایران و شناسایی ارتباط میان تحولات اجتماعی و فرهنگی با زبان بصری آثار کمک کند.

منابع

- اسلام‌نژاد، م. (۱۳۸۶). بررسی تصویرسازی کتاب‌های مذهبی کودک. *ماهنامه هنر*، ۶(۹)، ۱۰۵-۱۰۶.
- اکرمی، جمال‌الدین. (۱۳۸۹). *کودک و تصویر: جسارت‌هایی در تصویرگری کتاب کودک و نوجوان*. تهران: سروش.
- جزایری، شجاع. (۱۳۷۵). *نقاشی کودکان*. تهران: رشد.
- حسن‌پور، محسن. (۱۳۸۸). *تصویرسازی*. تهران: فاطمی.
- دادستان، پریرخ. (۱۳۹۹). *ارزشیابی شخصیت کودکان براساس آزمون‌های ترسیمی*. تهران: رشد.
- داروئی، پریرسا. (۱۳۹۰). بررسی تصویرسازی به شیوه لاک‌پشت در اصفهان عصر قاجار. *مجله نگارش*، ۵(۲۰)، ۵۳.
- سلیم‌زاده، محمدجعفر، ناظری، افسانه، و قاضی‌زاده، خشایار. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی تصویرسازی و متن دو کتاب تعلیمات دینی چهارم ابتدایی سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴. *فصلنامه علمی*، ۵(۲۹)، ۹۷-۱۳۱.
- صفی‌پور، منا، و حمیلی، پروین. (۱۳۹۱). تصویرگری در کتاب کودک و تأثیر آن در رشد و خلاقیت ذهن کودک. *فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر*، ۶(۸)، ۲۰۱-۲۰۴.
- فراری، آنا اولیوریو. (۱۳۷۳). *نقاشی کودکان و مفاهیم آن* (ترجمه عبدالرضا صرافان). تهران: دستان.

